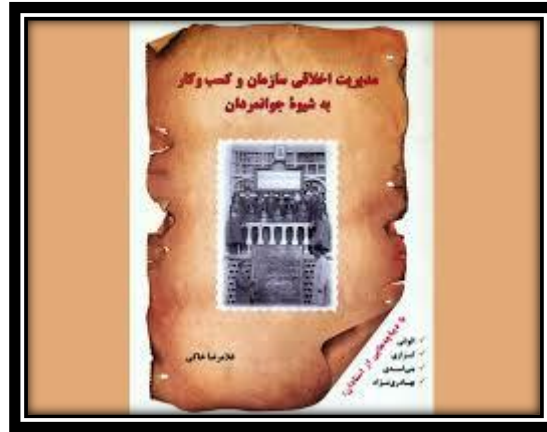


باسمه تعالی

نقد و بررسی کتاب «مدیریت اخلاقی سازمان و کسب و کار به شیوه جوانمردان»



WWW.GHOLAMREZAKHAKI.COM

مقدمه

موضوع اخلاق در سازمان از جمله موضوعاتی است که در رشته‌های مدیریت و روانشناسی صنعتی و سازمانی به آن پرداخته می‌شود. کتاب «مدیریت اخلاقی سازمان و کسب و کار به شیوه جوانمردان» نوشته غلامرضا خاکی در نشر فوزان از کتاب‌هایی است که با در هم آمیختن دو نگاه به جوانمردی به این موضوع پرداخته است. از یک سو موضوع جوانمردی در فرهنگ ایرانی و از سوی دیگر جوانمردی به عنوان یکی از شاخصه‌های رفتار شهروندی سازمانی^۱ مقصود اصلی نویسنده بوده است.

این مقاله، پس از نگاهی اجمالی به کل کتاب، در دو قسمت صوری و محتوایی به نقد و بررسی آن پرداخته است. کتاب مورد بررسی در این مقاله، چاپ هفتم از این اثر (۱۳۹۹) نشر فوزان بوده است.

نگاه اجمالی به کتاب

• ساختار کتاب

کتاب در چهار بخش نگارش یافته و هر بخش به ده جلسه تقسیم شده است. ساختار کتاب، به جای آنکه بر اساس فصل و بخش‌بندی‌های متداول باشد، بر اساس جلسات درس استاد (نویسنده) شکل گرفته است؛ بدین ترتیب کتاب، گزارشی مکتوب از تدریس‌های نویسنده است.

^۱ Organizational Citizenship Behavior (OCB)

بخش اول با عنوان «بسترهای ظهور اخلاق در جهان جدید»، بخش دوم با عنوان «مبانی و مفاهیم فلسفی اخلاق»، بخش سوم با عنوان «توجه به اخلاق در سازمان و مدیریت» و بخش چهارم با عنوان «جوانمردی و شاخص‌های سازمانی آن» مورد بحث قرار گرفته است.

• سبک نوشتاری

بر اساس تقسیم بندی کتاب که به صورت جلسات درس نگارش یافته، فضای نوشتاری کتاب نیز به جای آنکه حالتی تک گوینده داشته باشد، تلفیقی از گفتگوهای کلاسی، سؤالات، اسلایدها و حواشی کلاسی است که هر کدام از آنها با نماد و شکلی مشخص از دیگری تمایز یافته است. متن کتاب آمیخته با ادبیات پارسی است و این در سراسر متن کتاب قابل مشاهده است. همچنین گاهی در پایان جلسات از کاریکاتورها استفاده شده است که مخاطب را به فکر در مورد آنها دعوت می‌کند.

• محتوا

از نظر محتوایی، استاد کلاس (نویسنده)، در بخش اول به مبانی فلسفی و تاریخی سازمان‌ها، علم، مدیریت، اخلاق و معنویت اشاره کرده و برای این منظور، به شرح مدرنیته و پست مدرن پرداخته است. نویسنده با ترسیم مدرنیته و پست مدرن سعی دارد خواننده را به شکل‌های جدید سازمان و تحولات اجتماعی آشنا کند و نشان دهد که اخلاق سازمانی در چه پارادایمی مورد سوال قرار گرفته و در چه پارادایمی به آن پاسخ داده می‌شود.

در بخش دوم، به صورتی فشرده به مکاتب مختلف اخلاقی می‌پردازد و سعی می‌کند با زبانی ساده و خلاصه آنها را توضیح دهد. در بخش سوم، مباحث، رنگی کاربردی‌تر به خود می‌گیرد و به سمت اخلاق در سازمان برده می‌شود و در انتهای این بخش، گفتگو به چیستی اخلاق حرفه‌ای و مفهوم رفتار شهروندی سازمانی متصل می‌شود. در این قسمت از کتاب، نویسنده به جوانمردی به عنوان یکی از مولفه‌های رفتار شهروندی سازمانی اشاره می‌کند و قصد دارد در ادامه، پلی بین جوانمردی در ایران کهن و جوانمردی در نظریه شهروندی سازمانی بزند. به همین دلیل، در بخش چهارم نویسنده بحث را با هویت ایرانی آغاز می‌کند و پس از آوردن نمونه‌های متعدد از متون ادبی پیرامون جوانمردی و توضیح چیستی آن در تاریخ ایران و اسلام، سرانجام به مولفه‌های جوانمردی در سازمان که برگرفته از این متون است اشاره می‌کند و امید دارد با فراگیری این اخلاق باستانی و دینی در سازمان‌های ایرانی، وضعیت اخلاقی این سازمان‌ها ارتقا یابد.

۱) نقد صوری کتاب

○ نقد ویرایشی

این کتاب دارای اشکالات متعدد ویرایشی در رعایت علائم نگارشی، وجود حشو در جملات و غلط‌های املائی است اما این‌ها به گونه‌ای نیست که مانع بهرمندی از کتاب شود یا مخاطب را به اشتباه اندازد.

○ نقد سبک نوشتاری

همانطور که گفته شد، سبک نوشتاری بر اساس گفتگوهای است که در کلاس و عمدتاً بین استاد و دانشجویان شکل می‌گیرد. این موضوع و نیز استفاده از ادبیات فارسی موجب سهولت ارتباط‌گیری با مطالب کتاب و شیرینی آن شده است. البته ممکن است برای خواننده‌هایی که نگاه علمی‌محض در چنین موضوعاتی را ترجیح می‌دهند، بیان مطالب با زبانی آمیخته به ادبیات، آزاردهنده باشد. همچنین استفاده از فضای کلاس و به اقتضای آن استفاده از نمادهای *تابلو، اسلاید، پرسش‌ها و نکته‌ها* ممکن است تا حدودی موجب سردرگمی خواننده شود.

○ نقد تقسیم‌بندی

تقسیم‌بندی کتاب به چهار بخش که پیش از این اشاره شد، با غرض نویسنده سازگار بوده است زیرا بدون توجه به فضای ایجاد شده توسط *مدرنیته* (بخش اول)، اشاره به *مکاتب اخلاقی* (بخش دوم) که قرار است مکتب *جوانمردی* با آن‌ها رقابت کند، *مسائل مهم اخلاقی در سازمان‌ها* (بخش سوم)، امکان پرداختن به *جوانمردی و مولفه‌های آن* (بخش چهارم) به خوبی فراهم نمی‌شد. البته در کنار مناسب بودن ساختار، اطناپ غیر مفید برخی قسمت‌ها و اجمال برخی قسمت‌های مهم کتاب از ضعف‌های آن محسوب می‌شود که در ادامه مقاله به آن پرداخته شده است.

۲) نقد محتوایی کتاب

نقد محتوایی در دو قسمت مزیت‌ها و ضعف‌ها مطرح شده است:

مزیت‌ها

الف) شاید اولین مزیت این کتاب، انتخاب موضوعی جذاب بوده است. نگاه به گذشته برای ساختن اکنون و دست گذاشتن بر یکی از مفاهیم فراموش شده ولی مانوس، موجب گیرایی کتاب در نگاه اول می‌شود. از دیگر مزایای این کتاب، متنوع بودن متن کتاب است. این تنوع به دلیل آن است که مبنای کتاب، کلاس درس است که در آن، گفتگو صورت می‌گیرد و حالت تک‌گویی ندارد. استفاده از فضای ادبیات فارسی که مکرر در کتاب استفاده شده است نیز برای علاقه‌مندان به آن، جذابیت خواهد داشت. در کنار این جذابیت، شایسته است به این نکته توجه شود که کاربرد ادبیات فارسی برای چنین موضوعی، صرفاً جنبه تفننی ندارد بلکه، اصولاً چنین مفاهیمی زبان خود را می‌خواهد و در همین زبان قابل انتقال است. مشخص است که انتقال مفاهیم تخصصی یک رشته علمی در قالبی غیر از زبان خودش نمی‌تواند منظور گوینده را روشن کند لذا انتقال مفاهیم کهن نیز زبان خود را می‌خواهد و در هر زبان دیگر، یا آن زبان را به گنگی می‌کشاند یا به درستی منتقل نمی‌شود. پس انتخاب بستر ادبیات فارسی برای صحبت در مورد مفهوم «جوانمردی»، باید به عنوان انتخابی دقیق و نه صرفاً جذاب کننده مورد توجه واقع شود. استفاده از ادبیات فارسی برای انتقال چنین مفاهیمی، یک تکنیک برای جذابیت نیست بلکه یک مسیر و بستر است که در

غیر آن، امکان بررسی وجود ندارد. از این جهت، این کتاب می‌تواند الگویی برای سایر کتبی باشد که به نوعی می‌خواهند تراث ایرانی را در امروز باز یابند.

ب) مزیت دیگر این کتاب که در بسیاری از موارد مشابهش دیده نمی‌شود، اجتناب نویسنده از «این همانی» است. در بسیاری از آثاری که خواسته‌اند برای حل مسایل امروز، پلی به گذشته بزنند و از میراث دینی و سنتی استفاده کنند مشاهده می‌شود که پس از روبرو شدن با یک مفهوم در تراث علمی، فوراً آن را معادل یک اصطلاح یا نظریه در امروز تلقی می‌کنند و به اصطلاح، به این همانی می‌پردازند. از جمله عبارت‌های مشهور چنین افرادی آن است که: «آنچه جهان جدید به آن رسیده است را ما سال‌ها قبل در دین و سنت خودمان داشته‌ایم.» این نگاه فارغ از اینکه ممکن است دچار نوعی بیش‌گسترانی شده باشد، به نحو غیر قابل اغماضی در نادیده گرفتن تفاوت‌های پارادایمی در مانده است. در واقع با چنین کاری، نه تنها آنچه در تراث ما بوده است احیا نمی‌شود، بلکه با نبش قبر ناشیانه بیرون کشیده شده و سپس قربانی مفهوم موجود در دیدگاه‌های جدید می‌شود. در این کتاب، نویسنده به این همانی مفهوم جوانمردی در دیدگاه شهروندی سازمانی و جوانمردی در تاریخ ایرانیان نمی‌پردازد بلکه با توجه به تفاوت پارادایمی بین این دو، سعی در استفاده از آن دارد. این نکته فارغ از اینکه نویسنده تا چه حد توانسته به خواسته‌اش برسد، قابل توجه است.

ج) دیگر نقاط مثبت کتاب، توجه به مبانی فلسفی و تاریخی سازمان در دنیای جدید است. در واقع نویسنده به این نکته واقف بوده است که بدون توجه به این مبانی، درک درستی از سازمان و چگونگی نیاز به اخلاق در سازمان ایجاد نمی‌شود. گویی نویسنده در سفر خود به گذشته ایران و سیر با جوانمردان و سپس حضور در این تاریخ، علاوه بر تفاوت‌های ظاهری، ما را متوجه تفاوت‌های بنیادین نیز می‌کند. شاید نویسنده وقتی خواسته است سوغات جوانمردی را از سفر تاریخی‌اش به ارمغان بیاورد، با تنگنای دنیای جدید مواجه شده است و خواسته است این تنگنا را به خواننده نشان دهد.

خودگویی و حدیث نفس‌هایی که نویسنده در مقام استاد با خود می‌کند بار اخلاقی مثبتی دارد. همچنین، ایجاد سوال برای خواننده، ابتکارات در نویسندگی و طرح جلد نیز از دیگر نکات مثبت این اثر است. از دیگر موارد مثبت کتاب، توجه به رویکردهای معاصر است که در فضای علمی کنونی دنیا مطرح است. این توجه هرچند شدت زیادی ندارد اما همین مقدار توجه در مقایسه با بسیاری از کتب تخصصی به زبان فارسی قابل تقدیر است. اشاره به منابع متعدد و آشنا کردن خواننده با کتاب‌های متنوع، از مزیت‌های دیگر این اثر است. منابع معرفی شده، معمولاً در پاسخ به سوالی که در کلاس ایجاد شده بوده است مطرح شده و این به رغبت خواننده برای مراجعه به این منابع می‌افزاید.

اشکالات

در کنار مزیت‌های مطرح شده، اشکالاتی به نظر می‌رسد که با هدف اعتلای علمی و نه خرده‌گیری، در ادامه مطرح می‌شود. ایده اولیه نویسنده این ظرفیت را دارد که با رفع اشکالات بتواند مسیر بالندگی خود را طی کند.

همانطور که اشاره شد، استفاده از ادبیات فارسی برای صحبت از جوانمردی محتملی شایسته بوده که در کتاب از آن استفاده شده است. در کنار این مزیت، باید گفت که این ظرفیت به شکل مطلوبی مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. برای مثال، در

موارد بسیاری، اشعار آورده شده در ابتدای بحث یا انتهای آن، ارتباط مشخصی با موضوع کتاب یا حتی موضوع آن قسمت از کتاب ندارد و جنبه‌ای تفننی پیدا کرده است. حتی اگر ربطی هم بین آن شعر با موضوع آن قسمت وجود داشته باشد، از این ربط استفاده نشده و نویسنده از کنار آن عبور کرده است. تمایز بین بهره بردن یا بهره بردن از فقره‌های ادبی مطرح شده، تمایز بین نویسنده‌ای است که صرفاً به ادبیات فارسی علاقه داشته و نویسنده‌ای که از ادبیات فارسی برای بردن خواننده به عالمی دیگر استفاده کرده است.

از مزیت‌های این کتاب، توجه به مبانی فلسفی و تاریخی سازمان و دنیای معاصر بوده اما آنچه‌تان توضیح پیرامون مدرنیته، پست مدرن، ارتباط آن با سازمان، ارتباط آن با اخلاق، نقش فلسفه علم و غیره، خلاصه و موجز است که خواننده تنها وقتی می‌تواند به سلامت از این قسمت از کتاب بگذرد که از قبل اطلاعاتی پیرامون این موضوعات داشته باشد و اینجا صرفاً برایش یادآوری شود. حتی ارتباط بین این مبانی تاریخی و فلسفی و چگونگی ایجاد خلأ اخلاقی در سازمان‌ها نیز به خوبی مشخص نشده است. همچنین، نویسنده به سازمان‌های ایرانی نیز توجه داشته و روشن است جریان مدرنیته و پست مدرن در ایران، فرآیندی متفاوت از آنچه در غرب طی کرده، داشته است ولی به این تفاوت نیز اشاره نشده است. می‌توان از متن این را دریافت که نویسنده به این تفاوت‌ها آگاه بوده ولی در کتاب منعکس نشده است. به هر حال، بخش اول و دوم کتاب به گونه‌ای است که نه مفصلاً به مبانی تاریخی و فلسفی پرداخته شده و نه به گونه‌ای استطرادی و گذرا اشاره شده است و در نتیجه خواننده را در یک بلاتکلیفی می‌گذارد.

علاوه بر بخش اول و دوم کتاب، موجز‌گویی‌های افراطی در سایر قسمت‌ها نیز به کتاب آسیب زده است. شاید برخی موجز‌گویی‌ها در مقام استادی در کلاس درس برای ترغیب دانشجویان به جستجوگری شایسته باشد اما در مقام نویسندگی، نویسنده باید بتواند هرچه بهتر دست خوانند را پر کند. سوال خواننده نباید از مقصود، بلکه باید از فرامقصد نویسنده باشد. اگر خواننده دائماً در مورد آنچه در ذهن نویسنده بوده است از خود بپرسد، نشان از آن است که مفاهیم بین خواننده و نویسنده برقرار نشده است. در مقابل، اگر پرسشگری خواننده از پاسخ‌ها و اندیشه‌هایی باشد که از نویسنده آموخته، در واقع جریان فکر و مفاهیم صورت پذیرفته است. تعداد موجز‌گویی‌ها در کتاب شامل موارد متعددی است و نیاز ضروری به اصلاح دارد.

در کنار این موجز‌گویی‌ها، موارد متعددی نیز وجود دارد که اطنابی بی جهت صورت گرفته است. برای مثال، قسمت (۶) از بخش اول کتاب آنچه‌تان به موضوع معنویت پرداخته است که خواننده به جای آنکه احساس کند قرار است از رابطه معنویت و اخلاق در سازمان صحبت شود، تصور خواهد کرد که کتابی پیرامون ادیان و مذاهب در دست گرفته است. حتی در بخشی که نویسنده از فلسفه اخلاق صحبت می‌کند، در کنار اینکه پیرامون مکاتب گوناگون به ایجاز و اشاره صحبت شده، این موجز‌گویی تعداد پرشماری از صفحات کتاب را در برمی‌گیرد. بر این اساس، یک اطناب در ایجاز رخ داده که خواننده را از غرض اصلی دور می‌کند. به عنوان مثالی دیگر از اطناب در ایجاز، در جلسه (۲۸) که عنوان «نقد رویکرد سازمان‌های ایرانی به توسعه اخلاق حرفه‌ای» دارد، نیمی از بحث پیرامون نقد، اصول انتقاد، مغالطه و انواع آن اختصاص می‌یابد و اصل بحث مورد بررسی اندکی قرار می‌گیرد. شاید چنین روندی برای کلاس درس که استاد ممکن است به اقتضای شرایط، کمی از اصل مطلب خود فاصله بگیرد مناسب باشد اما برای کتاب به هیچ عنوان مناسب نیست.

اگر اطناب در ایجاز از زاویه‌ای دیگر دیده شود، می‌توان گفت گاهی منجر به این شده است که عناوین جلسات با محتوای آن همخوانی کافی نداشته باشد. برای مثال، جلسه (۴) با عنوان «حکمت سازمانی»، بیش از آنکه به رابطه حکمت و سازمان بپردازد، به حکمت و ابعاد مختلف آن پرداخته شده است؛ گویی موضوع اصلی، حکمت و تعاریف آن است. در جلسه (۷) با عنوان «ارزش‌های سازمانی» نیز بیش از آنکه به جایگاه ارزش در سازمان و رابطه آن با اصل موضوع یعنی اخلاق پرداخته شود، به صحبت پیرامون ارزش و ابعاد مختلف آن گذشته است. مجدداً در جلسه (۸)، هرچند عنوان «معنا و مبانی اخلاق» را دارد، به مواردی دیگر از جمله چیستی و توضیح «مورد کاوی» پرداخته شده است.

نقل قول‌های بسیار طولانی از دیگر اشکالات وارد به این اثر است. دو نمونه بارز آن، جلسه ۳۲ و ۳۵ است که تقریباً کل بحث نقل قول از دیگران است. اگر خواننده بخواهد نظرات دیگران را به این مبسوطی مطالعه کند، حتماً به آثار آن نویسندگان رجوع خواهد کرد ولی وقتی عنوانی جدید با نام نویسنده‌ای دیگر را برگزیده است، انتظار دارد حرفی نو را شنونده باشد. حداقل آن است که نویسنده باید دیدگاه تحلیلی خود، پیرامون آنچه نقل شده است را بیان کند و قسمت بیشتر را به تحلیل خود و نه نقل قول دیگران اختصاص دهد.

اطناب‌ها و ایجازها منجر به این شده است که آنچه با توجه به عنوان کتاب انتظار آن وجود داشت، به شکل شایسته‌ای محقق نشود. بسیاری از توضیحات کتاب، مواردی است که خواننده می‌تواند آن‌ها را در جایی دیگر نیز بیابد ولی بحث پیرامون جوانمردی در سازمان، خواسته‌ای بوده است که برای خواننده و نویسنده تنها در مقداری محدود میسر شده است. برای مثال، بسط ندادن جوانمردی همراه با پارادایم آن به سازمان و چگونگی استقرار آن در سازمان، ناتمام گذاشتن موضوع «حسب»، ناتمام گذاشتن بحث پیرامون موضوعات امروزی سازمان‌های ایرانی از جمله خصوصی و دولتی بودن، وضعیت اخلاق در سازمان‌های ایرانی، چگونگی تعامل سازمان‌های ایرانی با مدرنیته و پست مدرن در موضوع اخلاق سازمانی، کاربرد شناخت شرایط کشور ایران در مدیریت و اخلاق سازمانی، چرایی فاصله‌گیری سازمان‌های ایرانی از ریشه‌های اخلاقی خود از جمله جوانمردی و موارد دیگر، نمونه‌هایی از نقصان‌های مهم کتاب است که جای آن در میان مباحث خالی است. در حقیقت این آرزو وجود دارد که این کتاب، دقیقاً از همان جایی که پایان یافته مجدداً آغاز شود و بتواند بحثی خالص و دقیق از اخلاق، سازمان‌های ایرانی و جوانمردی ارائه دهد و این ایده جذاب، بسط داده شود. انس نویسنده با ادبیات فارسی و نیز تخصص در علم مدیریت، این امید را ایجاد می‌کند که فعالیت‌های نویسنده پیرامون موضوع جوانمردی در سازمان و سایر موضوعات مشابه، با قوت و صراحت بیشتری ادامه یابد تا نه تنها این موضوعات پرداخته شوند، بلکه الهام‌بخش و الگویی برای فعالیت‌هایی مشابه در سایر زمینه‌های علوم انسانی گردد.

بهار ۱۴۰۳

سید محمد مهدی روحانی
دانشجوی دکتری روانشناسی صنعتی و سازمانی دانشگاه شهید چمران اهواز

mh_rts@yahoo.com

